

خسرو ناقد

خرد گُشی

روشنفکران و
انقلاب اکتبر



نشرنی

- www.ketab.ir
- سرشناسه: ناقد، خسرو، ۳۲۹ - Naghed, Khosro
 عنوان و نام پدیدآور: خردگشی: روش فکر: سلاطین / خسرو ناقد
 مشخصات نشر: تهران، نشر نی، ۱۳۹۸
 نوبت چاپ: چاپ اول، ۱۳۹۶
 مشخصات ظاهری: ۲۶۲ ص.
 شابک: 978-964-185-542-2
 وضعیت فهرست‌نویسی: فیپا
 یادداشت: کتابنامه: ص. ۲۶۱
 عنوان دیگر: روشنفکران و انقلاب اکتبر.
 موضوع: روشنفکران - اروپا Intellectuals - Europe؛ روشنفکران - روسیه شوروی Intellectuals - Soviet Union؛ روسیه شوروی - تاریخ - انقلاب، ۱۹۱۷-۱۹۲۱ م. - Soviet Union
 History - revolution, 1917-1921
 رده‌بندی کنگره: ۱۳۹۶ خ ۹ ن ۱۷ / HMY۲۸
 رده‌بندی دیویی: ۳۰۵/۵۵۲۰۹۴
 شماره کتابشناسی ملی: ۴۸۰۹۲۷۶

قیمت: ۲۲۰۰۰ تومان



نشرنی

خبرگزاری

روشنفکران و انقلاب اکتبر

خسرو ناقد

ویراستار فرشاد مزدرانی

چاپ اول تهران، ۱۳۹۶

تعداد ۱۰۰۰ نسخه

چاپ و صحافی پردیس دانش

تمامی حقوق این اثر محفوظ است. تکثیر یا تولید مجدد آن کلاً و جزئاً،

به هر صورت (چاپ، فتوکپی، صوت، تصویر و انتشار الکترونیکی)

بدون اجازه مکتوب ناشر ممنوع است.

شابک ۹۷۸ ۹۶۴ ۱۸۵ ۵۴۲ ۲

www.nashreny.com

فهرست

۷.....	پیش‌گفتار
۱۳.....	روشنفکران روس و انقلاب اکتبر
۳۱.....	روشنفکران و انقلاب اکتبر
۴۵.....	در کعبهٔ آمال پرولتاریا
۷۷.....	ژاک دریدا و بازگشت از مسکو
۸۷.....	از تجربهٔ کرون‌اشات تا پیمان هیتلر - استالین
۹۹.....	جورج برنارد شا و پرسش گشتن یا نگشتن
۱۰۹.....	برتراند راسل و بلشویسم در عمل و نظر
۱۲۷.....	والتر بنیامین و یادداشت‌های مسکو
۱۵۳.....	آرتور کوستلر، حزب کمونیست و آلیس در سرزمین عجایب
۱۷۹.....	آندره ژید و بازگشت از روسیهٔ شوروی
۲۰۳.....	لیون فویشت‌وانگر و گزارش یک سفر
۲۳۳.....	برتولت برشت و نظم بزرگ
۲۴۵.....	زایش دین از روح خدائاباوری
۲۶۱.....	منابع

پیش گفتار

«روشنفکری» مفهوم نسبتاً تازه‌ای است که در جوامع مدرن که گرچه نسبتی با اندیشه‌ورزی و روشنگری و نگاه دلبستگی و تحصیل‌کردگی دارد، ولی برابرنهاده و جایگزین آن‌ها نیست. با این همه اگر عصر روشنگری را آغاز پی‌ریزی دوران مدرن در نظر بگیریم، در آن جهان‌نگری و نظام ارزشی و شیوه تفکر اروپائیان یکسره از نو شکل گرفت، شاید بتوان مفهوم «روشنفکری» را زائیده روح جنبش روشنگرین دانست. اما از پیدایش مفهوم «روشنفکری»، به تعبیر امروزی، یک سده و اندی سال بیش نمی‌گذرد و کم نیستند جوامعی که در آن‌ها روشنفکران از همان آغاز در معرض حمله‌های سیاسی صاحبان قدرت و برخورد های نظری متقدمان بوده‌اند. در بسیاری از جوامع، بازده تلاش‌های روشنفکران از جانب مردم عادی بسیار کمتر از فعالیت‌های کارگزاران و کنشگران سیاسی به رسمیت شناخته می‌شود. شاید این امر به طرز نگاه روشنفکران به مسائل مختلف جامعه و به خصوص زبان نوشتاری و شیوه بیان آنان برمی‌گردد که در بسیاری از موارد دشوار، پیچیده و تا حدی ناروشن است. البته امتیاز کاربرد چنین زبانی آن است که، برخلاف زبان بسیاری از

سیاستمداران، کلیشه‌ای و عوام‌فریبانه نیست، ولی این امتیاز زمانی رنگ می‌بازد و به ضد خود بدل می‌شود که روشنفکران همچنان بر کاربرد زبان یا جوج و مأجوج خود پافشاری کنند و کماکان در برج عاج نظریه‌پردازی‌های انتزاعی جا خوش کنند و کنش و واکنش‌هایشان به دور از واقعیت‌های اجتماعی باشد.

حال، گذشته از نقد زبان نوشتاری و شیوه بیان روشنفکران، این پرسش پیش می‌آید که آیا منش و کنش اجتماعی نه‌چندان موفقیت‌آمیز و کمتر افتخارآفرین روشنفکران در گذشته‌های دور و نزدیک، موجب چنین داورایی درباره آنان شده است. آیا وابستگی‌های ایدئولوژیک روشنفکران که بر سر مدت‌زمانی نسبتاً طولانی جایگزین آزاداندیشی و رهایی از قید و بندهای مسلکی و مذهبی شده بود، و هنوز هم رسوبات آن کم‌وبیش به چشم می‌خورد، باعث شده که نه‌تنها از توجه مردم محروم، بلکه خود نیز دچار سرخوردگی و گوشه‌نشینی شوند؟ زمانی پابندی و پافشاری روشنفکران بر ارزش‌هایی اساسی چون آزادی، عدالت، حقیقت و عقلانیت، شکل‌دهند هویت و رسالت آنان بود؛ پیش از آن‌که با فرونهادن این هویت و رسالت، آن‌قدرت را رها کنند و روانه محل وقوع سیاست شوند و خود را در مسمت سکست یا پیروزی مرام و مسلک و مذهبی خاص یا طبقه و نژاد و دومی و سومی قرار دهند. با این همه، آیا می‌توان بر سر این تعریف به توافق رسید که روشنفکر کسی است که با حضور فعال خود در عرصه عمومی و مشارکت در گفت‌وگوهایی که در جامعه جریان دارد، می‌کوشد تا به سهم خود در فرایند دگرگونی‌های فرهنگی و اجتماعی و سیاسی جامعه تأثیرگذار باشد؟ البته پیداست که تأثیرگذاری بر افکار عمومی را نباید با پیوستگی و وابستگی به تشکیلات سیاسی خاصی و یا مشارکت در دستگاه‌های حکومتی و مبارزه برای کسب قدرت سیاسی یکی پنداشت.

اما جدا از آن‌که روشنفکران را با چه هویت و رسالتی می‌شناسیم و گذشته از بحث در این باره که مفاهیم «روشنفکری» و «روشنفکران» نخستین بار چه زمانی و در کجا و دربارهٔ چه کسانی و به چه مناسبتی به کار گرفته شدند، به جرئت می‌توان گفت که از آن زمان تاکنون هر که بخواهد به موضوع روشنفکری و به کارکرد تاریخی آن و به ویژگی‌های روشنفکران بپردازد و یا دربارهٔ معنا و مضمون این مفاهیم بحث و گفت‌وگو کند، بلافاصله درگیر مشاجره با مخاطبان خود می‌شود؛ فرقی هم نمی‌کند که بخواهد صرفاً تعریفی از این مفاهیم به دست دهد، یا دربارهٔ صیقلی‌تر شدن آن‌ها بحث کند، یا در مورد جایگاه اجتماعی روشنفکران نظر بدهد یا به تفاوت‌های ملی آن‌ها اشاره کند. در همه حال، از چپ و راست، با واکنش شدید موافقان و مخالفانی روبه‌رو می‌شود که در ستایش یا در یک‌دشمنی رفتار روشنفکران داد سخن می‌دهند و می‌کوشند تا «تعریفی تازه» از روشنفکری و نقش روشنفکران به دست دهند. این مخالفت‌ها و موافقت‌ها از همان آغاز که مفهوم روشنفکری در سرزمین‌های اروپایی پا به عرصهٔ اندیشه و مباحث اجتماعی گذاشت وجود داشته و تاکنون نیز جدل و جدال بر سر آن‌ها کماکان به قوت خود باقی است.

پیداست که گفتمان روشنفکری در ایران نیز از این ناعده مستثنا نبوده است و صد البته که مطالب و مباحث و محتوای تاریخی که در این باره منتشر می‌شوند با عکس‌العمل و نقد و نظر موافقان و مخالفان روبه‌رو خواهد شد؛ از جمله مباحث خاص کتاب پیش رو که به انتشارش و واکنش شماری از روشنفکران به موضوع و مسئله‌ای خاص، یعنی انقلاب اکبر و پیامدهای آن می‌پردازد. اما چه بایک، تا زمانی که این مباحث در گسترهٔ نقد و نظر و گفت‌وگو در جهت شناخت و شناساندن مفهوم «روشنفکری» و تلاش برای روشنگری در باب نقش و جایگاه

روشنفکران باقی بماند، خالی از خلل است و اگر سودی بر آن مترتب نباشد، زبانی نیز نخواهد داشت. ولی اگر کار به ستیز و ناسزاگویی بکشد و سخن ناسنجیده از «خدمت و خیانت روشنفکران» به میان بیاید و شعار جای شعور و تعصب جای تسامح را بگیرد و زبان عقل بُریده و دهان دشنام باز شود، آن‌گاه همان بهتر که در واکنش به این همه، لب به سخن گشوده نشود تا کار به جدال بی‌فرجام با مدعی کشیده نشود؛ چراکه «ف. ا. از آنچه در این کتاب گرد آمده است، روشنگری است و نه دامن زدن به تهمت‌های ساختگی روشنفکرماآبانه».

گردآوری منابع و تالیف این کتاب را دو سال پیش از فرارسیدن صدمین سالگرد انقلاب اکتبر ۱۹۱۷ آغاز کردم و کوشیدم تا کار را هم‌زمان با مراسم مناسبت به این مناسبت در گوشه و کنار جهان برگزار می‌شود و همراه با گفت‌ووهایی که در این باره صورت می‌گیرد به پایان ببرم و آماده انتشار کنم؛ گرچه همان دارم که موضوع و مضمون کتاب، جدا از این مناسبت نیز، درخشان و رنگ و دراندیشیدن است. در این کتاب کوشش شده است تا براساس گفته‌ها و نوشته‌های تنی چند از روشنفکران سرشناس غربی، به‌ویژه کسانی که در دوران انقلاب اکتبر و سال‌های پس از آن به روسیه سفر کردند، به بررسی نگاه و نگرش آنان به انقلاب اکتبر و واکاوی نقد و نظر و نظریه‌ها و همچنین پیامدهای کنش و واکنش آنان پرداخته شود. افزون بر این‌ها، هم از چرایی گرایش گروهی پُرشمار از روشنفکران در گوشه و کنار جهان به ایدئولوژی کمونیستی و هواداری آنان از انقلاب اکتبر و طرفداری‌شان از اتحاد جماهیر سوسیالیستی شوروی سخن به میان خواهد آمد و هم از دلایل رویگردانی شمار کمی از روشنفکران از ایدئولوژی‌ها و نظام‌های

تمامیت‌خواه. و سرانجام آن‌که با اشاراتی می‌کوشیم پاسخی برای این پرسش بیابیم که «آیا کمونیسم جایگزین ایمان مذهبی روشنفکران شده و به دینی جدید تبدیل شده است؟».

این پیش‌گفتار کوتاه بی‌تردید چیزی کم می‌داشت اگر من در سطور پایانی آن سپاسگزاری‌ام را از تلاش‌های مدیر «نشر نی»، آقای جعفر همان، و همکارانشان برای انتشار این کتاب در کوتاه‌ترین زمان ممکن ابراز می‌کردم؛ به‌ویژه از آقای فرشاد مزدرانی قدردانی می‌کنم که نه تنها ویراستاری حرفه‌ای کتاب را عهده‌دار بودند، بلکه در طول آماده‌سازی کتاب با گفت‌وگوها و پیشنهادهای خود در رسا و گویاتر شدن متن کتاب کوشش بسیار کردند.

خسرو ناقد

اکتبر ۲۰۱۷